

— حمید عطائی نظری
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

— ضرورت اعتنا به میراث کلامی شریف مرتضی

۱۲۵-۱۱۷

حمید عطائی نظری

چکیده: اندیشه‌ها و نگاشته‌های کلامی سید مرتضی، عالم و متکلم بزرگ امامی، از چند جهت حائز اهمیت و شایان توجه جدی است. نخست آنکه مکتب کلامی شریف مرتضی، اولین مکتب کلامی بازمانده «مبسوط» و «نظام‌مند» در امامیه به‌شمار می‌آید که نظامی مفصل و منسجم از اعتقادات امامیه را ارائه کرده است. این مکتب، همچنین، نمودار عقل‌گرایانه‌ترین مکتب کلامی پدیدآمده در کلام امامیه است که احیای آن در عصر حاضر، برای تعدیل خردگرایی حاکم بر جریان پرتطرفدار حشوی‌گرا بسیار ثمربخش و لازم به‌نظر می‌رسد. افزون بر این، نگاشته‌های کلامی سید مرتضی آثاری اصیل و حاوی اندیشه‌های بدیع کلامی است و به هیچ وجه، رونوشتی محض از اندیشه‌ها و نوشته‌های متکلمان پیش از او نیست. همچنین، آثار او قرائتی متقدم و خوانشی مهم از اعتقادات شیعی را حکایت می‌کند که برای شناخت تشیع راستین بسیار سودمند است. با این وصف، تاکنون از میراث کلامی گرانشنگ شریف مرتضی ویراسته‌های منقح و عالمانه‌ای منتشر نشده است. هرگونه تحقیق و تدقیق در باب آراء کلامی شریف مرتضی متوقف بر تمهید ویراسته‌هایی دقیق و صحیح از آثار کلامی اوست که البته مهارت و دقت و حوصله و ویژه‌ای نیاز دارد.

کلید واژه: شریف مرتضی، آثار کلامی، کلام امامیه، تصحیح متون، تشیع.

— The Necessity of Paying Attention to Sharīf Morteżā's Theological Legacy

By: Hamīd Atāie Nazari

Abstract: The theological thoughts and writings of Sayyid Murtadhā, the great Imamiya theologian and scholar, are important in several ways, and worth paying close attention. First of all, Sharīf Murtadhā's theological school is considered to be the first «comprehensive» and «systematic» theological school in Imamiya, which has presented a detailed and consistent system of Imamiya beliefs. This school is also the most rationalistic theological school in Imamiya theology and its revival in the present era is very fruitful and necessary for modifying the irrationality which is dominating the popular movement of those who care too much about the unnecessary things. In addition to this, Sayyid Murtadhā's theological writings are original works which contain some new theological thoughts, and by no means is a mere transcript of the thoughts and writings of the theologians before him. Also his works indicate an early and an important reading of the Shiite beliefs that are very useful for understanding true Shi'a. Nevertheless, no scholarly and corrected editions of Sharīf Murtadhā's precious theological works have been published yet. Any research and analysis of Sharīf Murtadhā's theological works depends on preparing some precise and correct editions of his theological works which of course requires special skill and patience.

Key words: Sharīf Murtadhā, theological works, Imamiya theology, correcting the texts, Shi'ism.

— ضرورة الاهتمام بالتراث الكلامي للشيخ المرتضى

حمید عطائی نظری

تحتل الآراء والمؤلفات الكلامية للسيد المرتضى . العالم والمتكلم الإمامي الكبير . بالأهمية الفارقة وتستحق الانتباه العميق من عدة جهات .

فمن جهة تعد المدرسة الكلامية للشيخ المرتضى أولى المدارس الكلامية المفصلة والمنسجمة الموجودة في الوسط الإمامي، والتي تقدم منظومة مفصلة ومنسجمة من العقائد الإمامية.

كما أن هذه المدرسة هي المثال النموذجي للمدرسة الكلامية الأكثر عقلانية بين مدارس علم الكلام لدى الإمامية حتى الآن، والتي نرى ضرورة إحيائها وجدواها في أيامنا هذه للتقليل من غلواء هجران العقل الحاكم على تيار الحشوية الشائع في هذه الأيام.

بضاف إلى ذلك أن كتابات السيد المرتضى الكلامية هي من الكتابات الأصلية والمشبعة بالأفكار الكلامية البديعة، بعيداً عن أن تكون استنساخاً محضاً لأفكار ومؤلفات من سبقه من المتكلمين.

كما أن آثار هذا العالم تؤثر قراءة متقدمة وانعكاساً مهماً للعقائد الشيعية مما يجعل منها مصدراً مفيداً جداً للتعريف بالتشيع الأصيل.

ورغم ذلك لم يتم نشر هذا التراث الكلامي القيم للشيخ المرتضى في طبعة منقحة علمياً حتى الآن، في حين أن أي تحقيق وتدقيق في مجال الآراء الكلامية للشيخ المرتضى يتوقف على توفير التحريرات الدقيقة والصحيحة لآثاره الكلامية، والتي لا شك في وجوب توفر المهارة والدقة والأناة الفارقة لدى من يقوم بها.

المفردات الأساسية: الشيخ المرتضى، الآثار الكلامية، كلام الإمامية، تصحيح النصوص، التشيع.

_____ ضرورت اعتنا به میراث کلامی شریف مرتضی

_____ حمید عطائی نظری

پیش از این، در باب جنبه‌های علمی گوناگون دانشور نامور امامی، شریف مرتضی علی بن حسین موسوی (د: ۴۳۶ ه.ق.) و مشارکت وی در پیشبرد علوم دینی و ادبی مختلف زمانه خودش، سخن‌ها گفته شده است؛ اما به نظر می‌رسد نقش او و مساهماتش در رشد و تعالی کلام امامیه هنوز به خوبی روشن نشده و در این باب بررسی بیشتری باید صورت گیرد. پرسش‌هایی از قبیل اینکه: شریف مرتضی چه نقشی در تکوین و تکامل کلام امامیه ایفا نمود؟ نگاه‌های کلامی او چه منزلت و مرتبتی در میان ثراث کلامی امامیه دارد؟ تصحیح و نشر و مطالعه آثار وی، و تحقیق و تدقیق در میراث کلامی علم الهدی امروزه برای ما چه فایده و ضرورتی دارد؟ و اینکه چرا اکنون باید به بازخوانی جدی مکتوبات کلامی او پرداخت؟ همگی در زمره سؤالات مهم و بنیادینی است که برای تبیین جایگاه علمی واقعی سید مرتضی در کلام امامیه و خدمات او در این زمینه به مکتب تشیع باید مجال طرح یابد و بدان‌ها پاسخ داده شود.

در همین راستا، نگارنده بنا دارد در مقال حاضر وجوه مختلف اهمیت میراث کلامی شریف مرتضی را به اجمال، برشمارد و بر لزوم پرداخت به اندیشه‌ها و ثراث کلامی او تأکید نماید. ارزیابی کلی ویراست‌های عرضه شده از مکتوبات کلامی سید مرتضی، و تشریح ضرورت اهتمام و دقت بسیار در ارائه تصحیح‌های انتقادی تازه از آن میراث سترگ نیز از دیگر موضوعاتی است که در همین چارچوب بدان‌ها پرداخته می‌شود.

به باور نویسنده، اندیشه‌های کلامی شریف مرتضی و میراث کلامی او به دلایل زیر حائز اهمیت بسیار و شایسته توجه فراوان است:

۱. مکتب کلامی شریف مرتضی، نخستین مکتب کلامی بازمانده «مبسوط» و «نظام‌مند» در امامیه است. در درازنای تاریخ تفکر شیعه، متکلمان بسیاری ظهور کرده‌اند و هریک به سهم خود، در راستای تبیین و دفاع از بنیادهای کلامی این مذهب مجاهدت‌هایی نموده‌اند؛ اما از این میان، تعداد متکلمان مبتکر و مکتب‌ساز و تأثیرگذار بسیار اندک است. بی‌گمان، سید مرتضی، همچون استادش شیخ مفید، در شمار همین اندک متکلمان مبتکر و صاحب نظر، و بنیانگذار یکی از چند مکتب کلامی برجسته در طول تاریخ تفکر امامیه است. مکتب کلامی او - که می‌توان آن را در برابر «مکتب بغداد متقدم» (یعنی مکتب کلامی شیخ مفید و پیروانش)، «مکتب بغداد متأخر» نامید - چندان قدرت یافت که توانست مکتب استادش، شیخ مفید، را کنار زند و تا دست‌کم چند قرن بعد بر اندیشه کلامی امامیه سیطره خود را تثبیت نماید.

اگرچه مکتب و اندیشه کلامی شیخ مفید از جهاتی همچون اندیشه‌های نوآورانه و تلفیق ادله عقلی با مستندات نقلی و ایجاد هماهنگی و تقریب میان آنها، برتر از مکتب سید مرتضی است، بی‌تردید مکتب علم الهدی از حیث «تفصیل مطالب» و «ارائه نظامی منسجم از عقائد امامیه»، تفوق بر کلام شیخ مفید داشته، از جهت یادشده، نظیری در میان امامیان متقدم ندارد. از همین جا می‌توان به یکی از وجوه اهمیت

متون بعدی کلام امامیه نیز پیوسته تکرار شده است. همچنین، مکتوبات کلامی شریف مرتضی، هم، گنجینه‌ای است ارزشمند از تأملات وی در باب مسائل کلامی، و هم منبعی است غنی برای آگاهی از مجادلات نخستین در خصوص موضوعات و مباحث اعتقادی امامیه.

بنابراین یکی دیگر از وجوه اهمیت نگاشته‌های کلامی شریف مرتضی آن است که در مجموع آنها آراء ناب و مطالب بدیع فراوانی وجود دارد و نوشته‌های وی بازنگاشتی محض از آثار متکلمان سلفش نیست. در تاریخ کلام امامیه، تعداد متکلمان صاحب فکر و اندیشه مثل علم الهدی که توانسته باشند استدلال‌های قوی و تبیین‌های جدیدی را - و لود برخی زمینه‌ها و موضوعات محدود - در عرصه مباحث کلامی عرضه کرده باشند بسیار اندک است و از این حیث، سید مرتضی چهره‌ای اگر نه بی‌بدیل، کم‌نظیر و پُرارج در میان امامیان است.

۳. آثار کلامی شریف مرتضی، نشانگر قرائتی متقدم و خوانشی مهم از اعتقادات شیعی است.

در اینکه تمام عالمان رسمی امامیه بر پذیرش یکسری اصول کلی اعتقادی به عنوان «اصول ضروری مذهب امامیه» اتفاق نظر و اجماع دارند شکی نیست. قوام و بنیاد مکتب تشیع امامی نیز وابسته به همان «اصول ضروری مذهب امامیه» است و باور به همان اصول کلی تغییرناپذیر هم معیار اعتقاد به این مذهب به شمار می‌آید. اما گذشته از این، در باب فروع و جزئیات اعتقادی و نحوه تفسیر و تبیین آنها، اختلافات بسیاری میان متکلمان و محدثان و سایر دانشوران امامی وجود داشته و دارد به طوری که هریک از آنها، با رویکرد خاص خود، موضعی خاص در برابر پاره‌ای مسائل اعتقادی اتخاذ کرده است یا قرائت و خوانشی ویژه از آنها ارائه نموده. همین اختلافات قابل توجه، موجب پدید آمدن قرائت‌ها و خوانش‌های متفاوتی از تشیع شده است و تقریر و تحریرهای گونه‌گونی از اعتقادات شیعی را در تاریخ امامیه رقم زده.

اکنون برای دستیابی به شناخت هرچه صحیح‌تر و دقیق‌تر از تشیع اصیل و راستین - یعنی همان تشیع حقیقی مقبول و مورد تأیید ائمه (علیهم السلام) -، چاره‌ای نیست جز بررسی ژرف نگرانه و مطالعه باریک بینانه تمامی قرائت‌ها و خوانش‌های ارائه شده از سوی دانشمندان رسمی و معروف امامیه از دوران کهن تا کنون. بدین منظور نخست باید از دیدگاه‌های آنها در خصوص مسائل کلامی و ادله و شواهدی که در تأیید دیدگاه‌هایشان ارائه کرده‌اند

آثار شریف مرتضی پی‌برد. نگاشته‌های کلامی پُر شمار و در عین حال، پُر بار و برگ سید مرتضی بازتاب‌دهنده نخستین مکتب کلامی بازمانده «مبسوط» و «نظام‌مند» در امامیه است. بسیاری از مسائل کلامی که بنا به دلایلی در مکتب شیخ مفید توفیق طرح و دریافت پاسخ نیافت، در تألیفات سید مرتضی مجال طرح و فرصت بررسی پیدا کرد. مقایسه حجم آثار کلامی نگاشته شده از سوی مرتضی با میزان مکتوبات کلامی شیخ مفید شاهد و گویای تفاوت یاد شده است و دست‌کم، در این تردید نیست که مسائل کلامی مطرح شده در آثار برجایمانده از سید، از حیث تنوع و تکثرو تفصیل، بر میراث کلامی به یادگار مانده از شیخ مفید فزونی دارد.

افزون بر این، «ارائه نظامی منسجم از عقائد امامیه» خصیصه‌ای مهم در مجموع تراث کلامی شریف مرتضی است که در آثار بازمانده شیخ مفید وجود ندارد. مهم‌ترین نگاشته‌های کلامی سید مرتضی، یعنی مجموع دو کتاب المُلَخَّص و الذخیره، نشانگر یک نظام کلامی منسجم و کامل از اعتقادات امامیه است، در حالی که چنین ساختار نظام‌مندی در آثار کلامی موجود شیخ مفید یا دیگر متکلمان امامی پیش از شیخ مفید (مثل نوبختیان) دیده نمی‌شود، بلکه باید چنین نظامی از مجموع آثار کلامی آنها استخراج و تنسيق و تنظیم گردد.

۲. نگاشته‌های کلامی شریف مرتضی، آثاری اصیل و حاوی اندیشه‌های بدیع کلامی است.

بررسی آثار کلامی سید مرتضی نشان می‌دهد، با وجود تأثیرپذیری قابل توجه وی در برخی مسائل و موضوعات از عالمان امامی پیش از خود، به ویژه استادش شیخ مفید (م ۴۱۳ ه.ق.)، و معتزلیان بصری به‌شمی متقدم براو، خاصه قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ ه.ق.)، شخص سید، در بسیاری از مسائل، متفکری مبتکرو دانشمندی صاحب رأی و نظر است. به بیان دیگر، شریف مرتضی در نگارش آثارش، افزون بر بهره‌مندی از نگاشته‌های کلامی متکلمان پیشین، خود نیز اندیشیده و حاصل تفکرات و تأملاتش را در تألیفات گوناگونش بیان کرده است، نه اینکه همچون بسیاری از متکلمان، پیرو متفکرو متکلمی دیگر باشد و صرفاً به تکرار سخن پیشینیان بسنده کرده باشد. برای نمونه، پاسخهای سید به پرسش‌های اعتقادی عرضه شده براو، در موارد قابل توجهی حاصل تأمل و اندیشه و رأی ثاقب خود اوست و بسیاری از آنها تا به امروز نیز مقبول کلام پژوهان قرار گرفته یا دست‌کم جایگزین بهتری پیدا نکرده است. به همین دلیل، شمار زیادی از دیدگاه‌ها و پاسخ‌های ابداعی سید در باب مسائل کلامی، پس از او در

آگاهی یافت، و پس از آن، به ارزیابی آنها از طریق عرضه به کتاب و عترت و خرد پرداخت.

به اعتقاد نگارنده، نزدیک‌ترین قرائت و برداشت از تشیع به تشیع امامی اصیل و راستین، آن خوانش و برداشتی از اعتقادات شیعی است که خط متکلمان رسمی و برجسته امامیه - از شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی تا محقق حلّی و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلّی و فاضل مقداد و مانند ایشان - ارائه کرده و در آن اشتراک نظر داشته‌اند. نظام اعتقادی امامیه را در طول تاریخ تشیع همین متکلمان برجسته بر مبنای آیات و روایات و استدلال‌های عقلی ترسیم و تبیین کرده‌اند؛ لذا این دسته از عالمان امامی آشناترین کسان به اعتقادات راستین اسلامی و شیعی هستند. در نتیجه، یگانه راه تحصیل برترین و نزدیکترین شناخت به تشیع اصیل، مطالعه آثار این متکلمان برجسته و رسمی امامیه است. اگرچه در میان همین متکلمان نیز اختلافات بسیاری در خصوص مسائل فرعی اعتقادی وجود دارد، وجوه اشتراک آنها در ردّ یا پذیرش عقیده‌ای، می‌تواند ملاک و معیار خوبی برای طرد یا قبول آن عقیده باشد. اگر آموزه‌ای اعتقادی یا خوانشی ویژه از آن، مورد قبول خط متکلمان رسمی امامی در تاریخ کلام امامیه قرار گرفته باشد، همین اجماع و اتفاق نظر دلیلی است استوار برای پذیرش آن عقیده یا خوانش ویژه. برخلاف این، اگر نظریه‌ای اعتقادی یا خوانشی خاص از آن، مطرود متکلمان رسمی امامی باشد، اجماع آنها بر طرد آن نظریه یا خوانش، شاهد معتبر و سند معتمدی است برای انکار آن. بنابراین، نزدیک‌ترین تقریر به تشیع راستین، خارج از چارچوب تشیعی که متکلمان رسمی امامی ترسیم کرده‌اند، نیست.

با توجه به مطلب یادشده، وجه اهمیت دیگر آثار کلامی شریف مرتضی بر ما آشکار می‌شود. در واقع، میراث کلامی سید از این جنبه نیز برای ما حائز اهمیت است که حکایتگر تلقی و برداشت وی از آموزه‌ها و تعالیم شیعی است. آگاهی از اینکه حدود هزار سال پیش، و در سال‌هایی نزدیک به حیات ائمه هدی (علیهم السلام)، دانشمندی به پایه علم الهدی چه فهم و درک و قرائتی از اعتقادات شیعی داشته است و چگونه آنها را تقریر و تبیین و تحریر می‌کرده، برای دستیابی ما به شناختی بهتر و دقیق‌تر و ناب‌تر از مکتب تشیع بسیار مفید و حیاتی است. از این حیث، سطر به سطر نوشته‌های سید مرتضی - و البته تمام عالمان امامی برجسته متقدم - ارزشمند و شایان توجه است. دانشورانی چون شیخ مفید و شریف مرتضی و شیخ طوسی، جملگی از اساطین و ارکان مذهب امامیه به شمار می‌آیند و جنبه‌های علمی مختلف

این مکتب بردست آنها تکوین و تکامل یافته، از این رو آن قرائت و خوانشی که ایشان از اعتقادات تشیع امامی تحریر و تقریر کرده‌اند ارزشی ویژه داشته، به هیچ‌روی قابل مقایسه با بسیاری از متکلمان پس از آنها نیست.

طبعاً در نگرش‌ها و نگارش‌های کلامی شریف مرتضی نقاط قابل انتقاد و نکات شایسته انکار نیز وجود دارد و هرگز نمی‌توان ادعای درستی و استواری تمامی اندیشه‌ها و نگاشته‌های او یا هر عالم امامی دیگر را مطرح کرد و بر آن اصرار نمود؛ لیک این مقدار مسلم است که آشنایی با تفکرات شریف مرتضی برای دستیابی به فهمی صحیح و درکی قوی از آموزه‌ها و تعالیم شیعی بسیار نافع و لازم است.

۴. مکتوبات کلامی شریف مرتضی نمودار عقل‌گرایانه‌ترین مکتب کلامی موجود در کلام امامیه است.

مکاتب کلامی پدید آمده در تاریخ کلام امامیه از حیث میزان گرایش به روش و دلایل عقلی یا نقلی برای اثبات و تبیین مدعیات کلامی گوناگونند. برخی تمایل به استفاده حد اکثری از آیات و روایات دارند و استدلال‌های عقلی را در بسیاری از مسائل معتبر و معتمد نمی‌دانند؛ و برخی در طرف مقابل، سعی در بهره‌جویی بیشینه از دلایل عقلی دارند و استناد به احادیث را، که اغلب خبر واحد و غیر مفید یقین هستند، در مسائل اعتقادی مجاز نمی‌شمزند. برخی نیز همچون شیخ مفید کوشیده‌اند راهی متعادل و میانه برگزینند و ضمن بهره‌مندی از حجت‌های عقلی و دلایل نقلی، از افراط در عقل‌گرایی یا نقل‌گرایی اجتناب کنند. در این میان، مکتب کلامی شریف مرتضی عقل‌گرایانه‌ترین مکتب کلامی تکوین یافته در کلام امامیه است. اگرچه بر سر تعریف عقل و عقل‌گرایی اختلافات قابل توجهی وجود دارد، عجالتاً در باب عقل‌گرایی معتزله، که شریف مرتضی در امامیه آن را نمایندگی می‌کند، تردید و خلاقی مشاهده نمی‌شود. گرایش شریف مرتضی به عقل و استدلال‌های عقلی و در عین حال، بی‌عنایتی وی به میراث روایی کلامی چندان شدید و قوی است که ممکن است برخی او را به سبب افراط در عقل‌گرایی اعتزالی نکوهش کنند.

نگارنده، در این مجال اندک، در صدد داوری درباره ادعای افراط شریف مرتضی در عقل‌گرایی و پیامدهای نیک یا ناگوار آن در مباحث کلامی نیست؛ زیرا هرگونه داوری دقیق در این باب، مستلزم بررسی تام و دقیق آثار شریف مرتضی از حیث میزان و مواضع استناد وی به استدلال‌های عقلی و ارزیابی آنهاست. اما این ادعا قابل طرح است

که در زمانه ما، احیاء فکر کلامی خردگرای شریف مرتضی به منظور تعدیل خردگرایی حاکم بر جریان پرطرفدار حشوی گرا بسیار ثمربخش و لازم است. بسیاری از گفتارها و نوشتارهایی که در این عصر از سوی برخی مدعیان دین‌شناسی ابراز شده است و مایه و هن دین و موجب تعریض و تعرض به باورهای مذهب ارجمند امامیه گردیده، ریشه در پذیرش عامیانه روایات بدون هرگونه نقد و سنجشگری است. از این رو احیا و بازخوانی میراث کلامی متکلمان عقل‌گرایی همچون شیخ مفید و سید مرتضی، که هم با میراث حدیثی امامیه آشنایی کافی داشتند و هم از تبخّر خاصی در شناخت روایات معتبر از نامعتبر برخوردار بودند و می‌کوشیدند میراث امامیه را از روایات نامعتبر و نامعتمد بپیرایند، از ضرورت‌های کنونی تحقیقات کلامی ماست.

ممکن است کسانی با داوری شریف مرتضی در خصوص پاره‌ای روایات موافق نباشند و به درستی نیز به نقد آن بپردازند یا حتی اثبات کنند که در مواردی، رأی شریف مرتضی برخلاف مقتضای اصول عقلانی است، در اینها بحثی نیست؛ اما آنچه برای فکر دینی امروز ما مهم و مفید است، نحوه اتّجاه و رویکرد کلی سید مرتضی به مجموعه روایات اعتقادی است. رویکردی که پیوسته بر نقد و سنجش روایات، و تأمل در باب محتوا و معانی آنها تأکید می‌کند، و از شتاب در پذیرش هر آنچه به عنوان روایت در میراث حدیثی امامیه وارد شده است برحذر می‌دارد، و از این رو در تقابل با رویکرد حشوی‌گرایانه در مواجهه با احادیث قرار دارد.

نکات تقدیم شده و مطالب پیشگفته، به گمانم، ارج و منزلت و اهمّیت آثار شریف مرتضی را بخوبی اثبات می‌کند و ضرورت اعتنا به میراث کلامی ارزشمند او را برای ما آشکار می‌سازد.

اکنون باید لختی درنگ کرد و دید چه بر سر این ثرا پراچ آمده است و ما وارثان آن میراث گرانسنگ چگونه آن را پاس داشته‌ایم؟ راقم این سطور پیش از این، در چند نقدی که بر ویراست‌های معیوب و مغلوطن برخی از آثار کلامی مطبوع شریف مرتضی منتشر کرده است،^۱ به آشفتگی و ناستواری ویراست‌های عرضه شده از تألیفات وی به تفصیل پرداخته است. آن نقدها تا حدودی نشان می‌دهد که برخی از نگاشته‌های کلامی مهم شریف مرتضی به چه صورت پریشان و حالت تأشف برانگیزی منتشر شده است. فقدان نسخه‌های کهن و معتبر از بیشتر آثار سید از یک سو، و تخصّص نداشتن بسیاری از مصحّحان آثار او از سوی دیگر، فرایندی را در تصحیح و انتشار نگاشته‌های وی رقم زده است که حاصل آن، عرضه ویراست‌های نامنقّح و نابسامان از آنهاست.

چنان‌که در نوشتارهای پیش‌گفته نیز یادآور شدم، اساساً نحوه مواجهه با آثار کهن و تصحیح آنها، با گونه برخورد با نگاشته‌های قرون متأخر بسیار متفاوت است. ذهن و زبان و سبک ادبی مؤلفان کتب قرون متقدّم با آنچه در قرون بعدی و دوره معاصر شاهد هستیم، اختلاف قابل توجهی دارد؛ از این رو، دست‌یازیدن به تصحیح آنها تخصّص و تبخّر و حوصله و ویژه خود را می‌طلبد که البته در هر کسی یافت نمی‌شود. دشواری معانی و سختی زبانی مکتوبات شریف مرتضی، در کنار عیبناکی و نقصان نسخه‌های بازمانده از آثار او، در مجموع، کار تصحیح نوشته‌های وی را بسیار طاقت‌فرسا و مردافکن می‌نماید. تحریفات و تصحیفات

۱. این نقدها به ترتیب عبارتند از:

۱. نقد ویراست کتاب «الذخیره»، نگرید: عطائی نظری، حمید، «لزوم توجه به نقش هم‌خانوادگی متون در تصحیح آثار کلامی: نظری برطبعی نامطبوع از کتاب الذخیره سید مرتضی»، مجله گزارش میراث، ش ۶۱، ۶۲، آذر و اسفند ۱۳۹۲، ص ۲۳-۳۳.

۲. نقد تصحیح کتاب «الملخص»، نگرید: عطائی نظری، حمید، «لزوم توجه به نقش هم‌خانوادگی متون در تصحیح آثار کلامی (۲)»: ارزیابی تصحیحی شتابزده از الملخص فی اصول الدین شریف مرتضی، فصلنامه نقد کتاب میراث، سال دوم، شماره ۶-۷، تابستان و پاییز ۱۳۹۴، ص ۶۳-۷۸.

۳. نقد ویراست آقای سید مهدی رجائی از رساله «جواهر المسائل الطوائسیات الثانیة» سید مرتضی، نگرید: عطائی نظری، حمید، «نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۳)»: مضاف و مضافات رسائل سید مرتضی، مجله آینه پژوهش، سال ۲۷، ش ۱۵۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۵، ص ۳۷-۴۷.

۴. نقد تصحیح مجموعه رسائل از شریف مرتضی که با تحقیق زیر عنوان «مسائل المرتضی» در بیروت منتشر شده است، نگرید: عطائی نظری، حمید، «نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۹)»: مسائل المرتضی و مشکلات آن، مجله آینه پژوهش، ش ۱۶۶، مهر و آبان ۱۳۹۶.

به اعتقاد نگارنده، نزدیک‌ترین قرائت و برداشت از تشیع به تشیع امامی اصیل و راستین، آن خوانش و برداشتی از اعتقادات شیعی است که خط متکلمان رسمی و برجسته امامیه - از شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی تا محقق حلی و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی و فاضل مقداد و مانند ایشان - ارائه کرده و در آن اشتراک نظر داشته‌اند.

فراوان حادث شده در دست نوشت های آثار علم الهدی در گذر زمان، امر تصحیح نگاشته های او را دشوار، و در مواردی، حتی یافتن ضبط صحیح را مُتَعَدِّر می سازد.

با چنین وضعی، تصحیح هریک از آثار سید و عالمان همعصری، در واقع، حکم ترمیم یک اثری باستانی را پیدا می کند. همان طور که یک معمار یا باستان شناس با مهارت و دقت بسیار تلاش می کند تکه به تکه اثری باستانی را با ظرافت، ترمیم و بازسازی کند، مُصَحِّح آثاری همچون نوشته های شریف مرتضی نیز باید با همین دقت و مهارت و ظرافت به تصحیح عبارات وی بپردازد. در اینگونه تألیفات، مُصَحِّح ناگزیر است کارش را کلمه به کلمه پیش برد و هرگز نمی تواند باشتاب به تصحیح عبارات بپردازد و همچون نوشته های اعصار متأخر، صفحه به صفحه کار تصحیح را به انجام رساند. در واقع، چگونگی ضبط یکایک کلمات در این دست متن ها محل دقت و شایسته تأمل بسیار است. چه بسا، یافتن خوانش صحیح یک کلمه یا ضبط درست عبارتی در این قبیل نگاشته ها، ساعت ها وقت برای جست و جودر منابع مختلف و مشورت با اهل فضل طلب کند، و این امر را فقط کسانی بدرستی درمی یابند که خود، با تصحیح متون آن دوران دست و پنجه نرم کرده باشند. تصحیح اینگونه کتاب ها زمانی بخوبی صورت می پذیرد، که مُصَحِّح، با دقت تمام هم از تمام نسخ معتبر بازمانده از اثر استفاده کند، و هم از آثار جنبی دیگر - اعم از سایر نگاشته های نویسنده، متون هم خانواده و هم عصر با نوشته، و نیز منقولات آحیاناً راه یافته از آن اثر به کتاب های عالمان بعدی - بیشینه بهره را ببرد.^۲

چنین دقت ها و کوشش هایی در تصحیح متون ادب فارسی سابقه بسیار دارد. از باب نمونه کافی است به شاهنامه و ویراست های مختلف آن و مباحث متنوع بسیاری که گرداگرد تصحیح ابیات آن رقم خورده است، نظاره کنیم. در چند دهه اخیر، شاهنامه پژوهان در باب ویراست های مختلف این اثر مجادلات پرشوری داشته اند و همچنان نیز می کوشند از گوشه و کنار شاهنامه و نسخه های مختلفش، یا سایر متون مربوط به این شاهکار، شاهد یا دلیلی بر رجحان فلان ضبط یا اثبات نادرستی بهمان خوانش از کلمه ای در آن پیدا کنند. در این زمینه، گاه نقد و بررسی های مفصل و بسیار جدی صورت گرفته است و به دنبال آن، سلسله مقالات متعددی نیز به نگارش درآمده.^۳ همین مجادلات و مفاوضات، در عرصه حافظ پژوهی^۴ و سعدی شناسی نیز با طراوت و حرارت بسیار در جریان است.

شوربختانه نظیر چنین مباحثات و رد و ابرام های پُرثمری را در خصوص تصحیح متون کلامی کهن خویش اصلاً شاهد نیستیم. در واقع تا آنجا که اطلاع دارم، در سالیان اخیر - جز نقدهای این کمترین - هیچ نقد مبسوطی در خصوص ویراست های متون کلامی نوشته نشده است^۵ و سطح نقدهایی هم که از سوی

۲. راقم این سطور که ضمن اعتراف به توان و بضاعت بسیار اندک خود برای دست یازیدن به امر خطیر و دشوار تصحیح آثار شریف مرتضی، بنا به اسبابی، به تصحیح رساله «جَوَابُ الْمَسَائِلِ الْفَرَّائِیَّةِ الْثَّانِیَةِ» سید مرتضی اشتغال یافته است، افزون بر مقابله کامل رساله با دوازده نسخه برتر از آن و نیز دو چاپ پیشین این رساله، به پی جویی قطعات منقول از آن در برخی مصادر همچون بحار الأنوار پرداخته و تمام اختلاف ضبطهای مهم را تا حد امکان گزارش کرده است. این مطلب را صرفاً بدین جهت یادآور شدم که نشان دهم خود نیز بدین شیوه از تصحیح، عامل و پایبند هستم و از مرزها و سختی های آن باخبرم، و بنا بر این، فقط به نسخه پیچی برای دیگران نمی پردازم! علاقه مندان به آثار شریف مرتضی، خود، با مقایسه حاصل چنین فرایندی در تصحیح متنی رساله با دو ویراست قبلی آن بخوبی در خواهند یافت که در نحوه ارائه متن، بین آنها تفاوت از زمین تا آسمان است و گویی اساساً با متن تازه ای روبرو می شوند. وضع و حال بسیاری از دیگر نوشته های شریف مرتضی نیز چنین است که ویراستهای تازه آن - بشرطی که با دقت و مهارت کافی انجام یافته باشد و فرایندی که بیان شد در آنها رعایت شود - اختلاف فاحشی با ویراستهای پیشین این آثار خواهد داشت.

۳. فقط از باب نمونه نگرید به مقالات دکتر محمود امیدسالار در باب تصحیح شاهنامه در: امید سالار، محمود، سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۹.

۴. برای آگاهی از مقالات متعددی که در باب تصحیح ابیات دیوان حافظ نوشته شده است نگاه کنید به کتابشناسی مفصلی که با مشخصات زیر به چاپ رسیده است: قیصری، ابراهیم، ابیات بحث انگیز دیوان حافظ، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۰.

۵. یکی از اندک نمونه های نقد تصحیح متون کلامی در سالهای دور عبارتست از نقد استاد دانشمند سید محمدرضا حسینی جلالی که قریب ۱۶ سال پیش در انتقاد از طبع مجمع الفکر الاسلامی از کتاب النجاة فی القیامة فی تحقیق أمر الامة نگاشته ابن میثم بحرانی با نام مستعار

دانشورانی چون شیخ مفید و شریف مرتضی و شیخ طوسی، جملگی از اساطین و ارکان مذهب امامیه به شمار می آیند و جنبه های علمی مختلف این مکتب بر دست آنها تکوین و تکامل یافته، از این رو آن قرائت و خوانشی که ایشان از اعتقادات تشیع امامی تحریر و تقریر کرده اند ارزشی ویژه داشته، به هیچ روی قابل مقایسه با بسیاری از متکلمان پس از آنها نیست.

این بنده مطرح شده، صرفاً در حدّ اشاره به اغلاط فاحش و افتادگی‌های واضح متون - به اصطلاح - تصحیح شده بوده است. در چنین حال و وضعی معلوم است که اصلاً نوبت به بحث‌های دقیق و جزئی در باب صورت صحیح ضبط فلان اصطلاح یا عبارت در متون کلامی نمی‌رسد و بناگزی باید به گوشزد کردن خطاهای کلان اکتفا نمود. بنابراین فاصله ما در نقد تصحیح متون کلامی با وضعیتی که در نقد تصحیح متون ادب فارسی وجود دارد، بسیار زیاد، و تا حدّی غیر قابل قیاس است.

این در حالی است که اهمّیت و ارزش میراث کلامی ما، که پیوندی استوار با شناخت راستین از مسائل اعتقادی دارد، قابل مقایسه با متون ادبی - که البته در جای خود ارزش ملّی و ادبی و فرهنگی بسیار دارد - نیست. به نظر می‌رسد مصححان متون دینی ما، که با کلام خدا و رسول او و پیشوایان (علیهم السلام) و عالمان بزرگ امامیه سروکار دارند، باید در قیاس با مصححان متون ادبی، که به افسانه‌ها و داستان‌های شاهنامه یا اشعار سعدی و حافظ و مولانا می‌پردازند، دقّت و اهتمام بیشتری در امر تصحیح متون داشته باشند. آیا سزاوار نیست نظیر آن میزان جدّیت و باریک بینی که از سوی محققان متون ادبی صرف ضبط اشعار ادیبان می‌گردد، در ضبط سخنان ائمّه (علیهم السلام) و مکتوبات بزرگانی چون شیخ مفید و سیّد مرتضی نیز به کار بسته شود؟

مرحوم دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب در مقاله‌ای ارزشمند زیر عنوان «شیوه نقد و تصحیح متون»، که به گمانم خواندنش برای هر مصحّحی ضرور است، پاره‌ای از دشواری‌ها و پیچیدگی‌های تصحیح متون کهن را برشمرده، به مقایسه شیوه کار مصححان مغرب‌زمین در تصحیح متون فارسی و نحوه تصحیح آثار ادبی و اسلامی بردست مصححان ایران‌زمین پرداخته است. وی تفاوت اصلی میان این دو شیوه را در میزان کوشایی و بردباری و دقّت‌ورزی نوع محققان غربی در کار تصحیح متن، و کاهلی و شتابزدگی و بی دقّتی بیشتر مصحّح وطنی در این امر دانسته، در توصیف روال کاری یک مصحّح غربی می‌نویسد:

«محقق اروپایی، که از علم لدّنی و از اشراق و شهود ادیبان ما، بویی نبرده است، وقتی می‌خواهد اثری را که از آن نویسندگان و

شاعران قدیم ماست، طبع و نشر کنند در دقت افراط می‌کند و اگر محقق واقعی باشد - نه مدّعی و جاسوس مثلاً - این دقّت او دیگر سربوسواس می‌زند. نسخه‌های کتاب را از هر جا جستجو می‌کند، فهرست‌های کتابخانه‌های جهان را از روی دقّت و ارسی می‌کند، برای بدست آوردن نسخه‌یی یا اطلاعی از یک نسخه، به شهرها و کشورهای دور سفر می‌کند، ساعت‌ها و روزها در بین قفسه‌ها و صندوق‌های گردآلود کتابخانه‌ها تفحص می‌نماید، از هر کسی و از هر جایی که احتمال می‌دهد بتواند خبری از نسخه مطلوبش بدست دهد سراغ می‌گیرد، با تمام اهل خبرت، آنقدر که ممکن است، مکاتبه می‌کند. اگر نتواند تمام نسخه‌های موجود کتاب را بدست آورد، از کهنه‌ترین و معتبرترین آنها، آنقدر که ممکن هست اطلاعات درستِ دقیقِ موثّق بدست می‌آورد و بسا که چندین سال تمام اوقات خود را صرف می‌کند تا نسخ کتابی را که مطلوب و منظور اوست، یا عکس‌ها و رونویسهایی از آن نسخ را از اطراف دنیا جمع بیاورد، اتفاق می‌افتد که وقتی از وجود نسخه‌یی معتبر و دقیق اطلاع پیدا می‌کند، و آن را در دسترس ندارد، کار تصحیح و مقابله را موقوف می‌کند و تمام وقت و سعی و همت خود را صرف می‌کند تا آن نسخه یا رونویسی از آن را بدست بیاورد. تازه، قناعت بنسخه‌های موجود نمی‌کند، در تذکره‌ها و مجموعه‌ها، در رساله‌ها و سفسینه‌ها هم تفحص می‌کند تا اگر اجزایی از آن کتاب در جایی دیگر نقل و انتخاب شده است آنها را هم بدست بیاورد و در مقابله و تصحیح مواضع و مواردی که ضرورت اقتضا می‌کند، از آنها نیز فایده بجوید»^۶.

سپس در انتقاد از شیوه کار برخی از مصححان ایرانی بالحنی طنزآمیز می‌نویسد:

«اینهمه زحمت و مرارت را محقق‌فرنگی، برای آن در تصحیح و نقد متون تحمل می‌کند که گمان می‌کند، این کار قاعده‌یی و ترتیبی دیگر ندارد. بیچاره، کار را بر خودش سخت می‌گیرد و برای همین است که نقد و تصحیح یک کتاب، برای او گاه بیست سی سال مدّت می‌گیرد. غافل، که فضلاء و ادیبان ما به یمن همت و مجاهده و ببرکت شهود و مکاشفه راه‌هائی آسان‌تر برای این کار یافته‌اند و برای همین است که باسانی می‌توانند سالی سه چهار کتاب بزرگ را که هر کدام از آنها برای فرنگی کاریک عمرست تصحیح و مقابله کنند. ماشاء الله! حقیقت این است که برای فضلاء و ادیبان ما، اصلاً کار باین دشواری که فرنگی‌ها گمان برده‌اند، نیست. آخر تصحیح کتاب کهنه، چه فرقی دارد با

۶. زرّین‌کوب، عبدالحسین، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، انتشارات سخن، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۰.

«أبو يوسف العلوي» در مجلّة علوم الحديث منتشر شد. نگريد به: العلوي، أبو يوسف، «تحقيق التراث: من أين؟ وإلى أين؟»، مجلّة علوم الحديث، محرم - جمادى الثانية ۱۴۲۳ - العدد ۱۱، ص ۲۶۶ - ۳۱۱. همین مقاله، چندی پیش، در کتاب زیرنیز چاپ شد: حسینی جلالی، سیّد محمّد رضا، علم تحقيق النصوص، ماهو؟ و لماذا؟ و كيف؟، ۱۴۳۳ مؤسّسة المرتضى للثقافة و النشر / دارالمرتضى للنشر، النجف الأشرف، ج ۲، ص ۱۳۴ - ۱۷۴.

غلط‌گیری روزنامه و مجله ۹».

در ادامه نیز برای تأکید مطلب خاطر نشان کرده‌اند:

«اینها، اغراق و طیبت نیست جد و حقیقت است، و از این مقایسه، خوب می‌توان تفاوت بین شیوه نقد و تصحیح محققان فرنگی را با شیوه نقد و تصحیح فضلاء خودمان دریافت. این را شیوه محققان فرنگی گفتم، چون اهل فضل عادت کرده‌اند آن را چنین بنامند و گر نه اکابر محققان سلف ما نیز، در نقد متون از دقت و امانت هیچ دقیقه‌ی را فروگذار نمی‌کرده‌اند. آخر عقل سلیم حکم می‌کند، که وقتی شما می‌خواهید از گفته کسی، «اتخاذ سند» کنید و بر آن گفته ترتیب اثری بدهید و مطالبی از آن درباره گوینده‌اش استنباط و استنتاج بنمایید، باید شرط دقت و امانت را در نقل و ضبط آن گفته به کار ببرید و لااقل خودتان اطمینان پیدا کنید که آنچه از قول او نقل می‌کنید واقعاً قول خود اوست نه قول مدعیان او».^۷

حقیقت آن است که عبارات موجود در برخی از ویراست‌های فعلی از آثار شریف مرتضی هیچ شایسته اعتماد و قابل استناد به سیدمرتضی نیست و براساس آنها نمی‌توان از اندیشه‌های سید سخن گفت. میزان خطاها و افتادگی‌ها در ضبط کلمات و عبارات وی گاه تا اندازه‌ای است که بطور کلی معنا و مفهوم گفتار نویسنده را تغییر داده است. بنابراین تنها راه برای بهره‌مندی از آثار و آراء علم الهدی، ارائه ویراست‌هایی منقح و علمی از نگاشته‌های اوست.

در مجامع علمی و آکادمیک دنیا، تصحیح دقیق و انتشار صحیح آثار هر دانشمند کهنی را گام نخست ضروری در پژوهش در باب تفکرات او می‌دانند و هزینه و وقت بسیاری نیز برای آن صرف می‌کنند - چنان‌که، از باب نمونه، آقای دکتر آموس برتولاچی (Amos Bertolacci)، ابن سینا شناس برجسته ایتالیایی، هم‌اکنون در قالب یک پروژه تحقیقاتی کلان (ERC Advanced Grant ۳۳۹۶۲۱) به مدت پنج سال (از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹) با بودجه‌ای هنگفت (بیش از یک میلیون و صد و چهل هزار یورو معادل بیش از پنج میلیارد تومان)،^۸ به جمع‌آوری تمام نسخ مهم کتاب الهیات شفای ابن سینا از سراسر دنیا پرداخته است و درصدد ارائه تصحیحی

انتقادی از این متن همراه با ترجمه انگلیسی آن است (کاری که البته علی‌القاعده باید در این مرز و بوم و به دست محققان آن صورت می‌پذیرفت، ولی از آنجاکه همیشه خرج‌های مهمتری از مسائل علمی و فرهنگی در این مملکت وجود دارد، حتی یک‌صدم هزینه یادشده هم برای احیای چنین کتابی تخصیص داده نشده و احتمالاً نخواهد شد!)^۹ لذا باید خدا را سپاس گوئیم که دست‌کم معهدی فرنگی حاضر به تأمین بودجه احیای این کتاب ماندگار از ابن سینا شده است. همچنین جای آن دارد که از آقای برتولاچی هم به سبب کوشش‌هایشان در راه تصحیح و ترجمه و نشر آن اثر، کمال قدردانی و سپاس را داشته باشیم).

بنابراین روشن است که مقدمه ضروری هرگونه مطالعه و تحقیق در باب اندیشه‌ها و آراء شریف مرتضی نیز فراهم آوردن ویراستی انتقادی و محققانه از مجموع آثار اوست. اساساً سخن گفتن از دیدگاه‌های سید مرتضی، پیش از مطالعه عمیق مجموعه نگاشته‌های وی، که طبعاً متوقف بر تمهید ویراسته‌های دقیق از آنهاست، نمی‌تواند اظهارنظری کاملاً استوار و گزارشی بر صواب باشد. تا جمیع نوشته‌های شریف مرتضی با دقت کافی تصحیح و منتشر نشود، هرچه در باب آراء و نظرگاه‌های وی بر اساس ویراسته‌های نامنقح و ناستوار از آثار او استنباط و ابراز شود، ارزش و اعتبار علمی چندانی نخواهد داشت.

امید می‌برم در سایه تلاش‌هایی که خادمان مخلص ثراث شیعه، در راستای احیاء مجدد میراث شریف مرتضی به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت وی می‌نمایند - به‌ویژه کوشش‌های فاضل ارجمند جناب آقای شیخ محمد حسین درایتی، که مشفقانه و با جدیت و درایت، به گزارد وظیفه خطیر مدیریت تصحیح میراث شریف مرتضی می‌پردازند - شاهد ارائه ویراسته‌هایی عالمانه و شایسته از نگاشته‌های ارجمند علم الهدی باشیم. نیک می‌دانیم که کنگره‌ها و همایش‌ها و نمایش‌ها همگی بزودی از یاد می‌رود و آنچه تنها به یادگار می‌ماند و ماندگار می‌شود، آثار علمی‌انتاج یافته از آنهاست؛ مدد حق روزه‌روز فزون باد، بخت و کرمه!

۱۰. آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی چندین سال قبل درصدد انتشار کتاب الهیات شفای باگزیده‌ای از حواشی و تعلیقات مهم نگاشته‌شده بر این اثر بودند. تا آنجا که اطلاع دارم، تنها جلد نخست آن اثر مهم و ارزشمند توفیق انتشار یافت (الشفاء «الالهیات» و تعلیقات صدر المتألهین علیها مع زیادة الحواشی من: میرداماد، العلوی، الخوانساری، السبزواری، الملا سلیمان، الملا اولیاء و غیرهم ومعه: عون إخوان الصفاء علی فهم کتاب الشفاء لبهاء الدین محمد الاصبهانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳) و سه مجلد دیگران، به دلیل آنکه هیچ مؤسسه‌ای تاکنون حاضر به تأمین هزینه‌های تحقیق و نشر آن نشده است همچنان در انتظار نشر به سر می‌برد.

۷. همان، ص ۲۲.

۸. همان، ص ۲۴.

۹. در باب مشخصات این پروژه و جزئیات آن نگریه به:

<http://www.avicennaproject.eu/>

http://homepage.sns.it/bertolacci/ERC_Advanced_Grant.html